بسم الله الرّحمن الرّحیم

ترجمه ی فارسی سرمقاله ی مجله ی هفتگی النبا به شماره ی ۴۴۳با عنوان (شکست در صمیم):
حمله ی گسترده در شهر ماکومیا در موزامبیک دوباره توجه عالم را به آن نقطه از جهان به خود جلب کرد، که باعث شده است ارتش های آفریقایی با همکاری وبا حمایت کشورهای غربی وصلیبی به حرکت دربیایند ویک "اتحاد نظامی عظیمی" را شکل دهند تا در آن جا با دولت اسلامی بجنگند. این حمله این سوال را مطرح کرده است که این اتحاد ها با توجه به شکست های پی در پی تا چه اندازه "موثر" می باشند ودر میدان نبرد چه تاثیری دارند وسرنوشت منطقه در مرحله ی بعدی چه خواهد شد.

دیگر بر کسی پوشیده نیست که در تمام مناطقی که دولت اسلامی گسترش یافته است ،ازشرق آسیا وتا حدود آفریقا به محض این که کنترل منطقه ای را به دست آوردند -قطع نظر از کوچکی آن- ، اتحاد های نظامی چه "منطقه ای وچه جهانی" بر علیه آن ها تشکیل شده است. تمام اختلافات میان متحدان کنار گذاشته می شود وتمام منابع با تمرکز بر جنگ به حرکت در می آیند. با این حال، هرچه قدر نبردها به پیش می رود، این اتحاد ها کم کم ترک می خورند. در پی سنگین شدن بودجه های نبردها وضعیف شدن روحیه ی سربازانشان

کشورهایی که در جنگ مشارکت داشته اند ، مجبور می شوند که عقب نشینی کنند وبر سر احتمالات تمام شدن منابعشان در سال های آتی تجدید نظر کنند. به ویژه کشورهایی که در آن منطقه می جنگند درحالی که کشور خودشان نیست، اگر چه می دانند وآگاهند که تلاشی که در آن منطقه می کنند مخاطرات وتهدیدات برای کشورشان را کاهش می دهد واگر آن ها با مجاهدین در جایی که حضور دارند نجنگند مجبور خواهند شد در سرزمین خودشان با آن ها بجنگند، اما سرنوشت طبق خواسته ها ونقشه ها وآرزوهای آن ها پیش نمی رود ، الله تعالی می فرماید:{آنها نقشه می کشند، والله تعالی نیز نقشه می کشد والله بهترین برنامه ریزان است}.

در موزامبیک، یک مثالی از این احزاب شکست خورده وجود دارد، این که سه سال پیش ، ارتش های چندین کشور آفریقایی جمع شدند وائتلافی تشکیل دادند که به "نیرو های صمیم" مشهور است تا آتش جهاد را قبل از این که به کشورهایشان برسد خاموش کنند. با این حال، آن ها سرانجام تصمیم گرفتند به حضورشان پایان دهند بعد از این که دیدند فرستادن نیروهایشان هیچ سودی ندارد ضمن این که اعتراف کردند متوقف ساختن جهاد میسر نیست وجهاد ادامه پیدا خواهد کرد تا وقتی که جهاد به کشورهایشان برسد، به اذن الله تعالی.

سپس، بعد از این ائتلاف زشت وزننده آن ها گمان کردند که بر شرایط تسلط دارند وهمه چیز تحت کنترلشان است، وآن ها

خطر دولت اسلامی را کم کرده اند،اما آن ها همانند چند سال گذشته، دوباره ازهمان حملاتِ باکیفیت وبا همان شدت وگستردگی وبا همان میزان، تحت ضربه قرار گرفته اند.

این ائتلاف با این حقیقت سخت روبرو شده است که تمام تلاش ها وپول ها وجان های سربازانشان در نبردشان بر علیه دولت اسلامی کاملا به هدر رفته است.

الآن آن ها در مورد "ثبات نسبی" سخن می گویند در مناطقی که وارد جنگ شده اند بعد از این که سال ها لاف می زدند که تروریسم را ریشه کن کرده اند، درحالی که می بینند که پایگاه ها وپادگان های نظامی ودولتی وشهرهایشان در موزامبیک یکی پس از دیگری به دست مجاهدین دولت اسلامی سقوط می کنند. با این حال، کاملا مشخص است که آن ها هیچ انتخابی جز پنهان کردن شکست هایشان در این شراط مبهم ومتناقض ندارند، که در نتیجه ی حجم وضع خطرناکی است که در آن گیر افتاده اند می باشد ومی خواهند از "قتل عام کابو دیلغادو" وحملات مداوم فرار کنند وشکستشان را با خواری ولجبازی قبول کنند ومنطقه ای را که در آن چیزی جز نا امیدی های مداوم به دست نیاورده اند، ترک کنند.

درنگ ها وتردید ها در سخنان طاغوت موزامبیک بعد از این که همپیمانانشان آن ها را ترک کردند و منجر به بسته شدن قرارداد های دوطرفه شده است وامید های آن ها گاهی به

سوی ارتش تانزانیا می باشد وگاهی به سوی ارتش رواندا می باشد، مخصوصا ارتش رواندا که اخیرا قدرتش را در رسانه به نمایش می گذارد، وآمادگی خود را برای پرکردن جای خالی ائتلاف "صمیم" که با رفتن آن ایجاد می شود، اعلام کرده است، به امید این که جای پای محکم تری به دست بیاورد، وسهم بیشتری از گاز ومعادن این منطقه ی غنی از منابع طبیعی، به دست بیاورد، به علاوه ی این که می خواهد نفوذش را در منطقه افزایش دهد، واین که می خواهد به عنوان یک مامور تحت حمایت غرب در منطقه به رسمیت شناخته شود.با این حال، سوالی که پیش می آید این است که آیا یک دولت تنها می تواند در جنگی پیروز شود که چندین کشور در آن شکست خورده اند؟ مخصوصا وقتی که نیرو های آن به صورت پراکنده در جنگل های پهن آور موزامبیک کشته شده اند .

در واقع، این فقط مساله ی زمان است تا ائتلاف های صلیبی بر علیه دولت اسلامی فروبپاشد، چه جهانی باشد وچه منطقه ای، یا حتی اگر مانند خواسته ی طاغوت موزامبیک دوطرفه با ارتش کشوری دیگر در مرحله ی بعد، کار کند، عامل زمان ، وجه دیگری از صبر در نبرد است، زیرا در نهایت جنگ را آنهایی می برند که تا آخر صبور باشند، نه آن ها که می شتابند تا در هر مرحله یا دوری از جنگ که هنوز به پایان نرسیده است، پیروزی را اعلام کنند.

این صبوری در نبرد، عمل نیکی است که مجاهدین با آن پروردگار پاکیزه ی خود را عبادت می کنند، زیرا آن ها عجول نیستند، زیرا آن ها واجبات الهی را که به آن امر شده اند را انجام می دهند، وامید دارند که پروردگارشان به آن ها پاداش دهد. با این حال، برای مجاهدین هر چه قدر هم طول بکشد، نتائج از قبل مشخص شده است. بنابراین، ما می بینیم که هروقت که آن ها به اجبار باید از ناحیه کنار بکشند، آن ها شروع به دوباره سازماندهی کردن صفوف خود می کنند، و دوباره رهسپار می شوند تا قرارگاه تازه ای بسازند، وسپس گروه ها وگردان های تازه ای ساماندهی می کنند تا نبردشان را برعلیه دشمن ادامه دهند با عزمی که افرادی که حیرانند که آیا این امکان پذیر است یا نه ، آن را نمی فهمند یا آن ها که معیار حسابگریشان ،براساس مقیاس های دنیوی است در محاسبات خود توحید را در نظر نمی گیرند. هجوم اخیر به ماکومیا یک مثال بارز آن است.

امروز، مجاهدین در موزامبیک ثمره ی ونتائج صبر وثابت قدمیشان دربرابر این ائتلاف های کفار را می بینند، وائتلاف کفار نه تنها نگه داشتن چیزی که در دور اول نبرد به دست آورده اند را سخت می بینند بلکه ، إن شاء الله، خواهند دید که تمام ائتلافشان شکسته خواهد شد وقتی که مسلمانان کنترل تمام منطقه را به دست بیاورند، منطقه ای که آن ها ائتلاف تشکیل دادند تا از آن دفاع کنند. بإذن الله تعالى العلي

العظیم، کفار دچار آن چیزی خواهند شد که از مسلمانان به خاطر آن می ترسیدند.

به صورت خلاصه، چه "ائتلاف صمیم" بماند چه عقب نشینی کند، چه کشورهای دیگر مشارکت کنند چه عقب نشینی کنند، نبرد اسلام در موزامبیک ادامه خواهد داشت تا وقتی که ارتش های نصاری وهمپیمانانشان در جنگ به مانند گندم در سنگ سمباده ی آسیاب خورد شود، وتا وقتی که شریعت الله تعالی و رحمان با کتاب هدایت کننده وشمشیر یاری دهنده برپا شود و نصاری در آن کشور ومناطق اطراف آن با خواری به مسلمانان جزیه دهند وتا وقتی که غنائم ونعمت های الهی در زمین بین بندگان الله طبق ضوابط الهی تقسیم شوند. زیرا برای فرد صبور فردا دور وبعید نیست وهیچ نیرو وقدرتی جز برای الله تعالی نیست. ولا حول ولا قوة إلا بالله.

پایان ترجمه
ما را در دعاهای خود فراموش نکنید.